

ویژه

همزمان با آغاز رقابت‌های فوتبال

افتتاح رادیو جام جهانی  
بارمز نشاط و وحدت

رادیو جام جهانی روز یکشنبه با پیام  
ارسالی از سوی وزیر ورزش و جوانان و با  
حضور معاونت صدا، مدیر رادیو ورزش،  
مدیران رادیویی و گزارشگران ورزشی و همچنین  
خانواده شهیدان عجمیان و رضایی‌مجد به صورت  
رسمی افتتاح شد.

۶

نگاهی عمومی به سریال «بی‌همگان»؛

فرهنگ همگانی  
در سریال‌های ایرانی

۵

نگاهی به تأثیر هویت‌ساز

«جعبه جادو» از دیروز تا امروز

خاطرات مشترک

تلویزیونی



۷



تحلیلی بر ساختار تشکیلاتی و محتوایی رسانه‌های معاند فارسی‌زبان

بی‌بی‌سی؛

آکادمی جاسوس خبرنگاری

۸

گزارش

نگاهی به سریال «بی‌همگان»؛

فرهنگ همگانی در سریال‌های ایرانی



داستان‌های طبیعت و محیط زیست ماست و علم و هنر همین کار را انجام می‌دهند. این واکنش دربردارنده بازنمایی‌های گوناگون است. در داستان‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها بازنمایی فرهنگی را مشاهده می‌کنیم.

در سریال بی‌همگان چه عناصر معناشناختی فرهنگی و چه روایت‌های تأثیرگذار و مشوق نیکی، پیروزی و خیر وجود دارد؟ به آنان توجه کنیم

و اهمیت آنها را دریابیم. معنایی که شالوده‌های وحدت ملی و اصول فرهنگی یک خانواده دین‌محور را

ترویج می‌کند؛ کاربرد درام خانوادگی با درام اجتماعی. روایت تمایز یک عشق همگن با یک علاقه ناهمگن دچار چالش فرهنگی که در بستر علائق و رویاهای اجتماعی نیکخواهانه و بدخواهانه روایت شده است. در اینجا کشمکش در فضای

فردی زندگی امیرعلی، ماجرای او و دوستی که به کج‌راه کشیده می‌شود و سایر ماجراهایی که در این سریال می‌بینیم، خوب به هم گره خورده و به امری اجتماعی ارتقایی می‌یابد.

این اثر لایالی نیست که مسائل زندگی فردی در آن در جزیره‌ای متروک و گسسته از مسائل اجتماعی و فرهنگی

رای‌اهمیت و خارج از شأن نوشتار جدی فرهنگی جلوه دهد اما حقیقت آن است که در سویه بدآموزی‌های ایدئولوژیک و معرفتی، در سویه ترویج زندگی سالم و منش اخلاق همگانی این سریال‌های همیشگی و رویتن نقش تربیتی بزرگی ایفا می‌کنند و توجه به آنها از مهم‌ترین تکالیف مخاطبان آگاه و صاحبان‌نگرش انتقادی و تخصصی است. مظلومیت انقلاب اسلامی آن است که گرچه ۴۳ سال ردای حکمرانی بر دوش آن بوده اما سینما و چه فراوان سریال‌های تلویزیونی آن، علیه ارزش‌های فرهنگی و آرمان‌های انقلاب مدام کوشیده که بگوید؛ ایران و مردم ایران مفلوک و بر از فساد است! بدین‌سان وانمود می‌کنند ماملتی دروغگو، رذل و خشن هستیم. در وهله نخست می‌خواهم بیرسم بازنمایی فرهنگی در سریال‌ها چه معنایی دارد و اهمیت این‌وجه سریال‌ها در بردارزش یا ویرانگی فرهنگی تا کجاست؟ آیا

سریال‌ها در هویت‌سازی مردم نقش دارند؟ سریال‌ها از منظر ویژه‌ای جهان بیرونی را برای ما قابل فهم می‌کنند اما در کنشی فرآیندهای متفاوت گاه با معناهای متمایز شکل می‌گیرد. زیرا جهان خارج خود در ذهن ما حی‌وحاضر نیست. اشیاء خود عیناً در ما زندگی نمی‌کنند. تصویر نظم‌یافته آنان از طریق روایت‌هایی که به نگاه و سهم روایت بستگی دارد این امکان شناختی را فراهم می‌آورد. در حقیقت بازسازی ذهنی وظیفه‌اش همان سهم‌پذیر کردن داستان‌های زندگی اجتماعی

ما در دهه‌های متوالی کمتر به وجه فرهنگی و اهمیت تماشای سریال‌ها از منظر فرهنگ‌پردازی توجه کرده‌ایم. امروز اما با تماشای سریال «بی‌همگان» می‌بینیم که زندگی‌های شرافتمندانه در جبهه‌های از رفتارهای ناشرافتمندانه چقدر مهم است. در جهانی که از هر سو شیاطین و ظلمات در پی ارائه تصویری منفور، یاس‌آلود، افسردگی‌آور و پر از تباهی و فساد از زندگی ما ایرانی‌ها است، تماشای آدم‌های نیک در یک سریال رویدادی شیرین است. این نکته‌ای است که من سال‌ها بر آن پافشاری کردم. سریال بی‌همگان یک الگوی ساده، ارزشمند، همگانی و درست‌اندام برای سریال‌های فرهنگ‌پرور و اخلاق‌گرای درام‌های خانوادگی و اجتماعی است. سریالی به دور از سموم اخلاقی و تباهی‌زدگی و بهانه‌های افسردگی‌آور که همواره بیننده را مایوس و سرخورده می‌کند از این‌که چقدر بدبخت و فاسد هستیم. سلامت این سریال نشان‌دهنده آن است که جذابیت در پیروی از نمونه‌های روایی سرشار از نگرش‌های سیاه و نیست‌انگارانه با انبوهی از کاراکترهای منفور، بیمار و فرآیندهای انباشت افسردگی، یاس و اختناق همگانی حاصل نمی‌آید. داستان‌های فرهنگ‌پرور و اخلاق‌گرا با شخصیت‌های مثبت و فضای سالم خانوادگی در کشمکش با الگوهای ظلمانی می‌تواند بسیار پرکشش نوشته شود و چنین موضوعاتی جانمایه معناپرداز و مجذوب‌کننده سریال‌ها شود.

۱۱

فیلم و سریال‌هایی علیه ارزش‌های فرهنگی!

چرا می‌خواهم درباره سریال بی‌همگان بگویم. همواره انگیزه‌ام در پرداخت به سویه‌های تماتیک سریال‌های تلویزیونی وقوف به نقش مهم تربیتی و آموزشی آنها بوده است. از بزرگ‌ترین کاستی‌های تلویزیون در دهه‌های اخیر، تولید سریال‌هایی بوده که دارای تناقض عیان با اهداف تربیت دینی هستند و البته سرشار از نگاه‌های فسادانگیز، تیره‌وتار و منزجرکننده فرهنگی، پندار‌پوچی و جود‌داری تا نوشتن درباره سریال‌های روزمره تلویزیونی

یادداشت

هنرمندان باسابقه را دریابیم

یکی از ویژگی‌های هر رسانه مرجع و فراقیبری، نقش هنرمندان باسابقه در شکل‌گیری و رشد آن است. به بیان بهتر هنرمندان باسابقه هستند که می‌توانند کارهایی در حد متوسط را به سطح خوب برسانند یا کارهای خوب را به کارهای عالی تبدیل کنند.

آرشو رادیو و تلویزیون ایران را که بررسی می‌کنیم، متوجه خواهیم شد که محصول سرگرم‌کننده فراوان تولید شده و بهترین محصولات، آنهایی بوده‌اند که از منظر بهکارگیری هنرمندان باسابقه، موفق عمل کرده‌اند و هر قدر هماهنگی استفاده از هنرمندان باسابقه بیشتر بوده، کیفیت کار بهتر شده است.

خودم هم در رادیو و هم در تلویزیون و گاهی در سینما کار کرده‌ام و شخصاً دریافته‌ام عمدتاً احساس مسئولیتی که هنرمندان باسابقه نسبت به کار خویش دارند، واقعه ستودنی است. در رادیو با گنجینه‌ای از هنرمندان باسابقه روبه‌رو بوده ایم که با حداقل‌ها توانسته‌اند مخاطبان را راضی نگه دارند. هنوز هم وقتی برنامه‌های رادیویی را بررسی می‌کنیم و فی‌المثل نمایش‌های رادیویی، درمی‌یابیم که چقدر کارهای خوب و ارزشمند داریم.

وقتی می‌دانیم استفاده از هنرمندان باسابقه سبب‌ساز شکل‌گیری محصولاتی ارزنده می‌شود، چرا برخی تهیه‌کنندگان به سمت استفاده از نایاب‌تر برای سریال می‌روند و نقش‌ها را به افرادی می‌سپارند که چندان تجربه کار ندارند. گاهی کمبود بودجه را دلیل این کار می‌دانند ولی سؤال آنجاست که اگر بودجه کم است و کافی نیست، چرا از دستمزدهای خودشان کم نمی‌کنند و فقط برای بازیگران باسابقه، کم می‌آورند؟ هرگاه سریال‌های تلویزیونی را مورد توجه قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم حتی در سریال‌هایی که متن جذابی ندارند، چقدر حضور بازیگران باسابقه انگیزار است و می‌توان با آگاهی نقش‌ها به هنرپیشه‌های قدیمی

کاری کرد که میزان مخاطبان افزایش یابد.

حالا اگر همین حضور باسابقه‌ها در سریال‌هایی با متن‌های جذاب و درجه‌یک صورت گیرد، قطعاً با محصولاتی روبه‌رو خواهیم شد که قابلیت ماندگاری بالایی دارند و حتی اگر بارها از تلویزیون پیش شوند باز هم مخاطب خواهند داشت. پس چه خوب است تا می‌توانیم از پیشکوتاست در رده‌های مختلف کاری استفاده بهینه ببریم.

ایرانی عصبی کرده و مدام به آنها گفته بدبخت و مفلوک هستند و البته سینمای روشنفکرانه غربگرا در راس چنین پروژه‌ای رفتار کرده است.

به یاد داشته باشیم منطق سنت‌های الهی و اخلاقی در شالوده سریال بی‌همگان، کارکرد خوبی دارد. به عنوان مثال اگر فردی نیکی کند، خداوند صدها برابر آن را به خود او بازمی‌گرداند که مایه سعادت و خوشبختی او می‌شود. و این‌که عدم اعتماد به نیروی حافظ امنیت، غرور و خودرایی، زیان‌بخش است و در راه این بی‌اعتمادی، گاه جان از کف می‌رود. اینها از آموزه‌های دیگر این سریال است. بدین‌سان کارکرد سنت‌های سالم اخلاقی و سنت‌های الهی در روایت بی‌همگان با پیروزی و توانایی زیادی پایه‌های داستان را آبیاری می‌کند و قصه را بر پایه چارچوب معنوی و نظریه‌ی سالمی قرار داده است.

ایده خرافی ستیزانه ازدواج یازن بیوه صاحب‌دورزند که مایه خوشبختی امیرعلی شده و فرهنگ متین خانواده امیرعلی و تسلیم شدن به خرد به جای سنگ‌اندازی به این راه، وجه شریف دیگر این سریال است. بدین‌سان سریال یک تفکر غلط را در عرف جامعه به خوبی نقد می‌کند و نشان می‌دهد حقیقت می‌تواند خلاف این تصور جلاله‌نه باشد و عشق بر بستر صداقت، محبت و اخلاقی می‌روید.

نشان دادن خانواده‌ای سالم

روایت بی‌لکت و بی‌پوئگی و آب‌بندی قصه، به انضمام بازی‌های آرام و بی‌اغراق، توجه بازی‌های نقش‌ها و شخصیت‌ها و درک درست بازیگران از بازی‌شان متناسب با شخصیت‌شان در سریال و کارگردانی حرفه‌ای از امتیازهای سریال بی‌همگان است. در اینجا قصد نقد این سریال نیست، بلکه نشان دادن همین وجه برجسته سالم‌سازی روحی و نمایش یک خانواده شریف و ارزش‌آن در سریال‌های ایرانی است. به نظرم از مهم‌ترین وجوه این سریال خلاف رفتار کالسب‌کارانه، سودجویانه و آزاد‌هنده بسیاری از سریال‌های سال‌های اخیر، پایان‌بندی کامل و راه رفتن روی اعصاب تماشاگر به سبب ناتمام گذاشتن بسیاری از سرنوشت‌های قهرمانان و ضدقهرمانان قصه و ناکام نگه‌داشتن مخاطب بوده است. تنها نکته آزاد‌هنده این سریال، قانع‌کننده نبودن تیرگی بی‌حد و حصر التناز است. گرچه او به سبب همه آنچه مسئول آن است، مستحق مجازات بود اما ظرفیت او کمی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد! واقعا چرا التناز در یک نقطه نامعقول به دختری رذل بدل شده؟ دلالی که در سریال برای این پرسش درنظر گرفته شده به قدر کفایت قانع‌کننده نیست. گرچه او یک شخصیت خاکستری در سریال است اما واقعا چرا درخور و سزاوار این همه بدبختی است؟ در مجموع نکته مثبت این سریال، گسترش یک فرهنگ درست اخلاقی در ارتباط با نشان دادن خانواده‌ای سالم است.